

من یظن أنه قطع حباله مع الدنيا:

کسی که گمان می کند ریسمان اش (دل بستگی) به دنیا را قطع کرده است

نقول عن الدنيا دائماً إنها دار سراب ووهم، ولكن بالرغم من إدراكنا هذه الحقيقة، أو لا أقل سماعنا عنها من خلال النصوص الدينية الكثيرة، لا زالت الحبال موثوقة بها، ولكن قد يخطر في بال بعضنا أنه بدأ يقطع بعضاً منها.

ما همواره دنیا را به دار سراب و خیال توصیف می کنیم ولی با وجود فهمی که نسبت به این حقیقت داریم، یا دست کم چیزی که در این باره از طریق متون دینی فراوان به گوشمان خورده است، باز هم ریسمان های (دل بستگی) دنیا همچنان محکم و استوار است، ولی شاید در ذهن بعضی چنین خطور کند که وی برخی از این رَسَن ها را قطع کرده است.

سألت السيد أحمد الحسن (عليه السلام) عن ذلك ذات مرة، فقال:

یک بار در این خصوص از سید احمد الحسن (علیه السلام) پرسیدم. ایشان فرمود:

[الإنسان دائماً يبقى يجاهد نفسه وهواه والدنيا وزخرفها والشيطان حتى آخر لحظة من حياته. من يقول إنه قطع حباله مع الدنيا فهو كاذب، وقد ابتلي بأمر عظيم يقيدُه في الظلمة، وهو العجب. فلا بد للإنسان دائماً أن يبقى يلوم نفسه ويعتبر نفسه مقصراً وظالماً ومذنباً، نحن نعمل ولكن لا نقيم عملنا، يوجد من يُقيم أعمالنا، يوجد من يُدين].

«انسان همواره و تا آخرین لحظه‌ی عمرش با نفسش، هوا و هوسش، دنیا و زیبایی‌ها و تجملات آن، و با شیطان در حال مجاهده است. کسی که بگوید رشته‌های وابستگی به دنیا را گسسته است، دروغ گو است و چنین کسی به درد عظیمی که او را در ظلمت به قید و بند می‌کشد یعنی عجب و خود بزرگ بینی، مبتلا گشته است. انسان باید به طور دایم خودش را سرزنش کند و خویشتن را مقصر و ستمکار و گنهکار بداند. ما عمل می‌کنیم ولی برای عمل‌مان قیمت و ارزشی تعیین نمی‌کنیم. کسی هست که کارهای ما را قیمت‌گذاری کند، و کسی هست که به آن جزا و پاداش دهد.»

ولكن هل يعني هذا أن الانسان يبقی مهبطاً رأسه دائماً، أو يمكنه أن ينظر علامة الرضا في وجه من يُدين ويقيم الأعمال؟

ولی آیا این به آن معنا است که انسان همواره سر به زیر بماند؟ یا نه چه بسا بتواند نشانه‌ی رضا را در چهره‌ی کسی که اعمال را جزا می‌دهد و قیمت می‌نهد، نظاره کند؟

هذا ما خطر في بالي، فسألته عنه، فأجاب (عليه السلام):

این چیزی است که به ذهنم خطور کرد و آن را از ایشان (عليه السلام) سؤال کردم. ایشان (عليه السلام) در پاسخ فرمود:

[هذا أمر يرجع لمن يُدين، فهو إن شاء بشر، وإن شاء لا؛ لعلمه بالنفوس وما يصلحها، أي ربما يخبرك أنك قد أحسنت فيصيبك العجب، فهو أعلم بما يصلحك، قال تعالى: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (يونس: ٦٤).]

«این مساله به کسی که جزا می‌دهد بازمی‌گردد؛ او اگر بخواهد مزده می‌دهد و گرنه خیر؛ چرا که او از ارواح و آنچه که به صلاح آن است آگاهی دارد؛ یعنی چه بسا شما را با خبر کند که کار نکویی انجام داده‌ای و شما را عجب دربرگیرد. پس او به آنچه شما را به اصلاح می‌آورد، داناتر است. خداوند متعال می‌فرماید: «(بشارت است ایشان را در دنیا و آخرت، سخن خدا دگرگون نمی‌شود، این است کامیابی بزرگ)» (یونس: ٦٤).

* * *